

کرمانشاهی، اسماعیل، ۱۳۵۰ -

پرتوی از روی دوست؛ گرامات حضرت معصومه علیها السلام در کلام علمای دین /

اسماعیل کرمانشاهی - قم: زائر، ۱۳۸۴.

۶ - ۴۷ - ۸۵۶۷ - ۹۶۴

ص. ۱۲۲

کتابنامه ص ۱۲۲: همچنین به صورت زیر نویس.

[کنگره بزرگداشت شخصیت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و مکانت فرهنگی قم: ۳۸]

۱. معصومه (س)، فاطمه بنت موسی الکاظم، ۱۷۳ - ۲۰۱ ق. - گرامات.

الف. عنوان: گرامات حضرت معصومه (س) در کلام علمای دین.

ک ۴ م ۶ ۵۲/۲ BP



کنگره بزرگداشت شخصیت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و مکانت فرهنگی قم

مجموعه آثار شماره ۳۸

پرتوی از روی دوست

گرامات حضرت معصومه علیها السلام در کلام علمای دین

نویسنده: اسماعیل کرمانشاهی

صفحه‌آرا: محمدعلی محمدی

ناشر: زائر - آستانه مقدسه قم

لیتوگرافی: بیان - قم

چاپخانه: باقری - قم

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۴

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

بها: ۶۵۰ تومان

شابک: ۹۶۴-۸۵۶۷-۴۷-۶

● کلیه حقوق نشر برای آستانه مقدسه قم محفوظ است.

مرکز پخش: قم، میدان شهداء (چهار راه بیمارستان)

تلفن: ۷۷۳۲۵۱۹ ص. پ. ۳۵۹۷-۳۷۱۸۵

پرتوی از روی دوست

کرامات حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

در کلام علمای دین

اسماعیل کرمانشاهی

فهرست مطالب

۱	مقدمه کنگره
۵	مقدمه مؤلف
۱۳	انواع معجزه
۱۵	مرتبه حضرت معصومه علیها السلام
۱۹	عنایت به آیه الله کشمیری
۲۰	خلاص از مستأجری
۲۲	حل مشکل شهریه طلاب
۲۵	هلاکت مزدور گستاخ
۲۶	رؤیای نورانی و حل مشکلات مالی
۲۸	شفای بیماری دست
۲۹	سفارش حضرت رضا علیه السلام به حضرت معصومه علیها السلام
۳۱	لطف حضرت معصومه علیها السلام به مداحان
۳۳	شفاعت برادر
۳۵	جلال و جبروت فاطمه زهرا علیها السلام
۳۷	عنایت حضرت به زایران مرقدش
۳۸	عنایت حضرت به زایر برادر

۴۰	شفای طلبه جوان نخجوانی
۴۲	چهل ختم قرآن
۴۳	عمره مرحمتی
۴۵	شفای عجیب حاج سید جمال هزبر
۴۸	عنایت حضرت معصومه علیها السلام
۵۱	شفای زایر برادر
۵۲	توسل برای منزل
۵۳	برطرف شدن موانع
۵۴	کرامت دیگر
۵۶	حل مشکلات علمی
۵۹	ملاصدرا و حل اتحاد عاقل و معقول
۶۱	حل مشکل علمی
۶۲	استخاره آیه الله العظمی حایری یزدی
۶۴	اقامت آیه الله العظمی بروجردی در قم
۶۶	نجات خانم زایر
۶۹	عنایت به آیه الله وجدانی فخر
۷۰	حل مشکلات تحصیلی
۷۱	زیارت حضرت معصومه علیها السلام توسط امام زمان علیه السلام
۷۲	عنایت برای فهم قرآن کریم
۷۸	چاپ کتاب به عنایت حضرت معصومه علیها السلام
۷۹	کرامت برای آنها چیزی نیست
۸۰	برکت وجود حضرت معصومه علیها السلام در قم

۸۲	از کرامت تا شهادت
۸۴	کرامات بی پایان
۸۹	پیدا شدن گمشده
۹۱	تشرف به حج
۹۳	حل مشکل مالی
۹۴	نجات از مرگ
۹۵	نجات از خشک سالی
۹۷	شفا از بیماری لاعلاج
۹۸	کرامات عمه سادات
۱۰۴	اصلاً احتیاج به عمل ندارید
۱۰۵	توسل به حضرت معصومه علیها السلام
۱۰۷	رواشدن حاجات قلبی
۱۰۹	انکار کرامات یعنی انکار بدیهیات
۱۱۲	نجات از سربازی طاغوت
۱۱۳	گنجینه کرامات
۱۱۵	حضور در قم
۱۱۷	شکستن طلسم اهریمن
۱۱۹	صدای خوش آمدی
۱۲۰	نشان از بی نشان
۱۲۱	توسل برای دستیابی به دعا
۱۲۲	منابع

مقدمه کنگره

حضرت امام صادق علیه السلام:

«حرم ما اهل بیت علیهم السلام، شهر قم است. آنجا بانویی از فرزندانم به نام فاطمه دفن می شود، بهشت بر هر که او را زیارت کند، واجب می گردد»^۱.

قم که به لقب «حرم اهل بیت علیهم السلام» مفتخر گردید، نه تنها به جهت وجود مردمی است که در آن به حسن عبادت و توحید عبادی در قیام و رکوع و سجود شناخته شده اند^۲، و در آرمان شهر اسلامی گرد حضرت مهدی علیه السلام اجتماع کرده و به یاری آن حضرت قیام خواهند نمود، و نه صرفاً به جهت وجود بزرگترین حوزه علمی و حدیثی و معرفتی شیعه در آن، بلکه این شهر مفتخر است که چونان صدفی زمینی، گوهر آسمانی و ملکوتی فرزند باب الحوائج الی الله را در بر گرفته و مسجد اولیای الهی گردیده است. اگر در گذشته شهر قم محل محدثان بزرگ و معبد و سجده گاه فاطمه معصومه علیها السلام

۱. سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۴۶. ۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۰۶.

بوده، امروزه نیز پرچم‌دار فرهنگ ناب فقه جعفری علیه‌السلام و معنویت و عرفان بوده و ضمن تربیت و پرورش یاران امام عصر ارواحنا فداه، زائران حضرتش را با معارف بلند دینی میزبانی می‌کند. آری، «زیبداگر خاک قم به عرش کند فخر»^۱.

قم، شهری است که بر ولایت و مودت اهل بیت علیهم‌السلام پایه‌گذاری شده و به همین جهت، پایگاهی برای علویان و شیعیان و دژ تسخیرناپذیری علیه ستمگران بوده است و ائمه علیهم‌السلام با تعبیراتی خاص و بلند از این شهر یاد کرده‌اند.^۲

از هنگامی که شهر قم مسکن حضرت سنی، فاطمه معصومه علیها السلام گردید، بُعد فرهنگی و معنوی آن در کنار تحولات اجتماعی و سیاسی متحول و شکوفا شد، و از چنان موقعیتی برخوردار شد که جناب حسین بن روح رضوان الله علیه، از نواب اربعه، تأیید محتوای یک کتاب علمی و فقهی را مشروط به نظر مساعد علمای قم نمود.^۳ وجود حوزه غنی و بزرگ شیعه، در این شهر و دفاع علمی از اسلام راستین به وسیله تألیف کتابها، اعزام مبلغان و زادگاه انقلاب اسلامی بودن و... همه و همه به برکت وجود فرزند رسول خدا، کریمه اهل بیت علیهم‌السلام در این شهر است.

از آنجا که سال ۱۳۸۳ ه.ش. با یک هزار و دو بیست و پنج‌همین سالگرد ولادت آن حضرت، و نیز با پایان تجدید طلاکاری گنبد مطهر - که در زیبایی کم نظیر و بلکه بی نظیر است - مقارن شده، به منظور

۱. دیوان امام خمینی، ص ۲۵۷.

۲. بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۷.

۳. کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۴۰.

معرفی بیشتر آن حضرت و تبیین جایگاه ویژه شهر قم در ترویج فرهنگ تشیع، به دستور تولیت عظمای آستانه مقدسه، حضرت آیه الله مسعودی دام عزه «کنگره بزرگداشت شخصیت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و مکانت فرهنگی قم» شروع به فعالیت نمود. و در چهار موضوع ذیل:

الف. حضرت معصومه علیها السلام و آستانه مقدسه؛

ب. قم و فرهنگ تشیع؛

ج. حوزه علمیه قم؛

د. انقلاب اسلامی در قم،

با محوریت آستانه مقدسه، دهها جلد کتاب در موضوعات فوق که اکثر آنها جنبه تألیف داشته و برخی دیگر جنبه تراشی دارد و توسط محققان تألیف و تصحیح شده، اهتمام ورزیده است.

آثاری که در محورهای فوق تدوین و نگارش یافته تنها قدم کوچکی است که می تواند نقطه شروعی برای تحقیقات گسترده و عمیقی باشد که سزاوار موضوعات یاد شده است.

آنچه اکنون در دست شما قرار دارد گوشه و برگی است کوتاه از درخت تنومند و پسربرگ و ورق تفضلات و الطاف کریمه اهل بیت علیهم السلام که به صورت پراکنده در مجلات مختلف گزارش شده و اکنون توسط جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای اسماعیل محمدی کرمانشاهی با عنوان «پرتوی از روی دوست» جمع آوری، تدوین و بازنگاری شده و ضمن مجموعه آثار کنگره نشر می یابد. در این جا لازم است تشکر و قدردانی خود را از مؤلف محترم

و همه کسانی که مورد این کرامات قرار گرفته و آن را برای عبرت دیگران نقل کرده‌اند.

همچنین از تولیت عظمای آستانه، حضرت آیه‌الله مسعودی، مدیر عامل محترم انتشارات زایر، جناب آقای فقیه میرزائی، مدیریت فرهنگی آستانه باراهنمایی‌ها و مساعدهای خود بیشترین سهم را در به سامان رسیدن کنگره داشته و ما را سپاسگزار خود قرار دادند.

بر خود لازم می‌دانم که اذعان و اعتقاد قلبی خود را ابراز داشته که اگر توفیقات خدای متعال و عنایات کریمه اهل بیت علیهم السلام نبود از انجام کوچکترین قدمی در این راه عاجز و ناتوان بودیم.

و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه انیب

احمد عابدی

دبیر کنگره

WWW.KE... .NET

مقدمه مؤلف

ثنا و حمد بی‌پایان خدا را که صنعش در وجود آورد ما را
 الها قادرا پروردگارا کریمنا منعمنا آمرزگارا
 چه باشد پادشاه پادشاهان اگر رحمت گنی مستی گذارا
 خداوندا تو ایمان و شهادت عطا دادی به فضل خویش ما را
 و ز انعامت امیدون چشم داریم که دیگر باز نستانی عطا را^۱
 خداوندی که حمد و ثنای او بی‌پایان است انسان را آفرید و او را
 برگزیده مخلوقات خود قرار داد و انسان برین را به صفت خلیفه خود
 در زمین^۲ ممتاز ساخت. و گویا این همان امانتی بود که خداوند به انسان
 سپرد: «انا عرضنا الامانة على السموات والارض والجبال فأبين أن
 يحملنها و يشقن منها و حملها الانسان أنه كان ظلوماً جهولاً»^۳
 «ما بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها، امانت را عرضه داشتیم، همه از
 تحمل آن امتناع ورزیده و اندیشه کردند تا انسان آن را پذیرفت و انسان
 هم بسیار ستمکار و نادان بود.»

۱. غزلیات سعدی، ص ۲۰.

۲. اشاره به سوره بقره آیه ۳۰: «انی جاعل فی الارض خلیفه»

۳. سوره احزاب، آیه ۷۲.

حضرت امام خمینی قدس سره بیاناتی دارند و می فرمایند:

«و بعد آدمی را از دیگر موجودات به واسطه یک لطیفه ربانی و فطرت الهی متمایز کرده اند، فطرتی خدایی که آدمیان را بر آن طینت آفرید و این فطرت - به وجهی - همان امانتی است که در کتاب عزیز الهی مورد اشاره قرار گرفته است. «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ...» ما امانت را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه داشتیم، از تحمل آن سرباز زدند و از آن ترسیدند و انسان آن را بردوش گرفت. و این فطرت همان فطرت توحید خدا در مقامات سه گانه [ذات و صفات و افعال] بلکه فطرت رها کردن همه تعینات و ارجاع همه چیز به او و اسقاط همه اضافات حتی اضافات اسمائی است و فانی کردن همه چیز است نزد او، و هر که به این منزلت نرسد از فطرت خدا خارج شده و در امانت پروردگار خیانت کرده و نسبت به مقام انسانیت و ربوبیت جاهل و به نفس خویش و حضرت حق ستم کرده است.

و نزد اهل دل از سابقین نیک سرشت آشکار است که نیل به چنین جایگاه والا و مرتبه بلندی ممکن نیست مگر با ریاضتهای روحی و عقلی و باندیشه های مقدس قلبی پس از آنکه جان آدمی از پلیدی های عالم طبیعت پاک و پاکیزه شود - چرا که این مقامی است که «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»^۱ جز پاکان را به آن دسترسی نیست...^۲

و در جایی دیگر می فرماید: «إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا» راکه در آیه شریفه وارد شده است... بعضی می گویند که «ظُلُومًا جَهُولًا» بالاترین وصفی است که خدا برای انسان کرده؛ «ظُلُومًا» که همه بتها را شکسته

۲. صحیفه امام، ج ۱، ص ۹.

۱. سوره واقعه، آیه ۷۹.

و همه چیز را شکسته، «جهولاً» برای این که به هیچ چیز توجه ندارد و هیچ چیز را متوجه به آن نیست، غافل از همه است.^۱

و آسمان‌ها و زمین، آنها که خود از پذیرش امانت الهی سرباز زدند، شاهدان امانت‌داری انسان شدند و «آدم» از بهشت برین به بهشت زمین هبوط کرد تا در کنار «حوا» رسم امانت‌داری را به فرزندان که خواهند داشت، بیاموزند تا به پاداش امانت‌داری فرزندان «آدم» به بهشتی که او دیده است و اینان شنیده‌اند، رهنمون شوند.

البته امام خمینی قدس سره بیانی دارند که اهمیت قضیه را یادآور می‌شوند و ذیل تفسیر آیه ۷۲ سوره احزاب می‌فرماید: «ما نمی‌توانیم این طور باشیم، ما امانتدار هم نمی‌توانیم باشیم، لکن می‌توانیم در آن راه باشیم.»^۲

و آدمیان در این مسیر که به اصطلاح می‌شود آن را «بزرگراه زندگی» نامید باید بکوشند تا در مسیر حق حرکت کنند تا بلکه به مقصد «انسان کامل» نایل شوند.

و اما کمال‌گوهری است که ارتباط مشخصی با سن، سواد و جنسیت ندارد و آنگاه که انسان به مقام کمال برسد شایسته مقام جانشینی خداوند در زمین می‌شود و در سایه همین جانشینی کرامات و خوارق عاداتی از او صادر می‌شود که تألؤی از جمال جمیل اوست، و چون کمال مربوط به روح انسان است انسان کامل که مصداق حقیقی آن معصومین علیهم السلام هستند پس از زندگی مادی هم از آن بزرگواران کرامات همچنان صادر می‌شود. در خصوص «انسان کامل»

۲. همان.

۱. همان، ج ۱۹، ص ۲۵۳.

که بدان اشاره شد نکاتی را از کتاب «انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه» اثر دانشمندان فرزانه استاد حسن زاده آملی یادآور می‌شویم تا معرفت ما را به مقام انسان کامل افزونی بخشد. برخی از صفاتی که ایشان برای «انسان کامل» بر می‌شمارد بدین قرار است:

- انسان کامل ولی الله است.

- انسان کامل خلیفه الله است.

- انسان کامل قطب زمان است.

- انسان کامل معدن کلمات الله است.

- انسان کامل حجة الله است.

- انسان کامل عقل مستفاد است.

شرح برخی از مطالب فوق طبق بیان علامه حسن زاده چنین است:
 □ «ولی» از اسماء الله است: «و ینشر رحمته و هو الولی الحمید»^۱ و اسماء الله باقی و دائمند: «فاطر السموات والارض انت ولی فی الدنیا والآخرة»^۲ لذا انسان کامل که مظهر اتم و اکمل این اسم شریف است، صاحب ولایت کلیه است که می‌تواند باذن الله در ماده کائنات تصرف کند و قوای ارضیه و سماویه در تحت تسخیر خویش درآورد و هر امر محالی به دست او ممکن گردد.^۳

□ انسان کامل خلیفه الله است: «اولئک خلفاء الله فی ارضه والدعاة الی دینه» و این چنین انسان خلیفه الله است. چه «انی جاعل فی الارض خلیفه» دال است که وصف دائمی حقیقه الحقایق جاعلی این چنین

۱. سوره شوری، آیه ۲۹.

۲. سوره یوسف، آیه ۱۰۲.

۳. انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه، علامه حسن زاده آملی، ص ۴۳، بنیاد نهج البلاغه.

است. پس همواره مجعولی آنچه‌ان باید زیرا جاعل است نه جعلت و اجعل و نحوهما. و جاعل مقید به شخص خاص و زمان خاص نیست تا چون «انی جاعلك للناس اماما» و «یا داود انا جعلناك خليفة فی الارض» محدود می‌باشد.

و خلیفه باید به صفات مستخلف عنه و در حکم او باشد و گرنه خلیفه او نیست، لذا فرمود: «و علم آدم الاسماء كلها» که جمع محلی به الف و لام مؤکد به کل آورد و از جهت اهمیت به خلیفه آن را بر خلیفه مقدم داشت. امام صادق علیه السلام فرمود:

«الحجة قبل الخلق و مع الخلق و بعد الخلق»

پس آیه بر لزوم وجود خلیفه الی یوم القیامة از امهات و محکمات است و چنانکه بر معنی مذکور دال است نیز دلالت دارد که تعیین خلیفه بر امت نیست.^۱

□ خلیفه الله جامع جمیع اسماء الله است. مثلاً حق تعالی واحد احد است که دلالت بر یگانگی ذات او در کمال می‌نمایند، در افراد نوع انسان که اکمل و اتم و اشرف انواع است نیز او را مظهري باید که در تمام کمال یگانه باشد.

و حق جل و علی عالم و علیم است که دلالت بر احاطه او به جمیع ماسوی دارند، او را مظهري در افراد انسانی باید که علمش اتم از علم همه ماسوی باشد و هکذا در صفات قادر، قدیر، سامع، سمیع، بصیر، خبیر و دیگر اسمای بی‌نهایت او علم آدم الاسماء كلها حتی در اسمای مستأثرة الهی به یک معنی

من از مفصل این نکته مجملی گفتم

تو صد حدیث مفصل بخوان از این مجمل.^۱

خلافت مرتبه ایست جامع جمیع مراتب عالم.

لاجرم آدم را آینه مرتبه الهیه گردانیده تا قایل ظهور در جمیع اسماء باشد و این مرتبه انسان کامل را بالفعل بود و غیر کامل را ظهور اسماء بقدر قابلیت و استعدادش از قوه به فعل رسد و آن قطب زمان است: «و ان محلی منها محل القطب من الرّحی»^۲ لذا تعدّد آن در زمان واحد صورت پذیر نیست. رحی بر قطب دور می زند و بر آن استوار و بدان پایدار است، همچنین خلافت الهیه قائم به انسان کامل است که قطب عالم امکان است و گرنه خلافت الهی نیست.^۳

□ بقای عالم منوط به بقای انسان کامل است.

می فرماید: «اولئك هم خیر البریة» در این جا بریّه به معنای خلق است و معنی دیگر آن این است که: چون انسان کون جامع و مظهر اسم جامع است و از همه تمام اسماء در ید قدرت اوست، صورت جامعه انسانیّه غایه الغایات تمام موجودات امکانیّه است. بنابراین دوام مبادی غایات دلیل استمرار بقای علت غائیّه است پس به بقای فرد کامل انسان تمام عالم خواهد بود.^۴

□ تصرف در اعیان خارجی به وسیله نفوس کامله

پس جود انسان کامل ظرف همه حقایق و خزائن اسماء الله است و

۱. همان، چاپ اول، ص ۵۵. ۲. نهج البلاغه، خطبه ششمیه.

۳. انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه، ج اول، ص ۵۶.

۴. همان، ص ۵۷.

این اسماء الله اعیان حقایق نوریة دار هستی است، نه اسمای لفظی، لاجرم صاحب این مقام دارای ولایت تکوینی است که مفاتیح غیب یعنی همان حقایق نوریة در دست اوست و می تواند با اذن و مشیت الهی تصرف در کائنات کند بلکه در موطن و وعای خارج از بدن خود انشاء و ایجاد نماید و موجودات خارجی به منزله اعضای وی و خود او به مثابه جان آنها گردد زیرا که نفس ناطقه انسانی مجرد قائم به ذاتش و خارج از بدن و محیط و مستولی بر آن است و تعلق تدبیری و تصرف در بدن دارد. بنابراین چه تفاوت که بدن خود را در تدبیر و تصرف خود بدارد یا اعیان خارجی دیگر را معجزات و کرامات و هرگونه خارق و هرگونه خارق عادت های انسان های کامل از این جهت است و چون اسماء حقایق است و قرآن بیان حقایق است و دو کتاب الله تکوینی و تدوینی مقارن همدیگر و این حاکی و بیان آن است، لذا انسان کامل وعای حقایق قرآن و کلام الله ناطق است.^۱

استاد حسن زاده در ضمن بحث انسان کامل نکته لطیفی را یادآور می شوند که نه فقط انسان که آنچه از مخلوقات خداوند به کمال نهایی برسد دارای اثر معجزه آسا می شود.

□ اثر کیمیا و مومیا و نفس انسان کامل

کیمیا فلز را از جنسی به جنس دیگر تبدیل می کند و او را عمر بسیار دراز می بخشد؛ اما مومیا حیوانات و اجساد و مرده را از فساد حفظ می کند و مومیا چیزی شبیه به قیر بلکه قیری است که به کمال نهایی رسیده است و آن کلمه ای یونانی به معنی حافظ الاجساد است. به

فارسی مومیایی گویند و به عربی عرق الجبال چون از درزها و شکاف‌های بعضی جبال از قبیل کوه داراب از توابع فارس و اصطهبانات و نواحی آن بیرون می‌آید که گویا عرق کوه است که از او می‌چکد.

مومی‌گر بدن مرده را به مومیایی کردن از فساد حفظ می‌کند، اگر بدن زنده در دست تصرف مومیاسازی که اسم اعظم الهی است از زوال و بوار مصون بماند چه ایرادی متوجه است؟^۱

علامه حسن زاده آملی در اوصاف انسان کامل و سفرا و حجج و خلفای الهی و عدم خلوق ارض از افرادی این چنین و در بخش اوصاف آل نبی ﷺ خاصه می‌فرماید:

«آل نبی ﷺ یعنی عترت و اهل بیتش را موضوع سزا و جبال دین او معرفی کرد، و وصیت و وراثت را به آنان منحصر نمود و آنان را از همه حق و اعلام دین و بهترین منازل قرآن و «ناطق قرآن» و «قرآن ناطق» و برپادارنده دین و شجره نبوت و محط رسالت و مختلف ملائکه و معادل علم و ینابیع حکم و شعار و اصحاب و خزنه و ابواب و کنوز الرّحمن و قوام الله علی خلقه و اغصان معتدل شجره نبوت و عرفاء الله علی عباده و بهترین عترت و اسرت و عیش علم و موت جهل و دعائم اسلام شناسایی فرمود و معرفت به آنان را موجب دخول در جنت و انکارشان را سبب ورود به جهنم و هجرت را تنها به معرفت حجّت دانست.^۲

۱. همان، ص ۶۰.

۲. انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه، چاپ قدیم، ص ۴۲، بنیاد نهج البلاغه.

معجزات سفرای الهی بر دو قسم است: قولی و فعلی.

۱. معجزات فعلی

معجزات فعلی تصوف در کائنات و تسخیر آنها و تأثیر در آنها، به قوت ولایت تکوینی انسانی به اذن الله است. همچون شق القمر و شق الارض و شق البحر و شق الجبل و شق الشجر و ابرای اکمه و ابرص و احیای موتی و غیرها.

ابرای اکمه و ابرص از حضرت مسیح علیه السلام بود که فرمود: «و ابرئی الأکمه و الأبرص و أحي الموتی باذن الله»^۱ شق الجبل از صالح پیغمبر علیه السلام به تفاسیر قرآن کریم ضمن کریمه: «فقال لهم رسول الله ناقة الله و سقيها»^۲ در سوره شمس و شق الارض و شق البحر از موسی کلیم علیه السلام که اولی را در هلاک قارون و دومی را در هلاک فرعون، اعجاز فرمود. و شق القمر و شق الشجر از خاتم انبیاء ﷺ واقعه شق الشجر در خطبه قاصعه نهج البلاغه آمده است که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: درخت به امر رسول الله ﷺ از جای خود کنده شد و مانند مرغی بال زنان به سوی پیغمبر اکرم ﷺ شتافت تا در نزد آن جناب ایستاد، معجزه فعلی است.

قلع در قلعه خیبر به دست یدالله امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام از معجزات فعلی و قدرت ولایت تکوینی آن جناب است.^۳

۲. همان.

۱. آل عمران / ۵۰.

۳. انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه، چاپ دوم، ص ۱۷.

۲. معجزات قولی

معجزات قولی، علوم و معارف و حقائق اند که به تعبیر حضرت وصی علیه السلام در خطبه اشباح نهج البلاغه از ملائکه اهل امانت و حی از حظائر قدس ملکوت بر مرسلین نازل شده‌اند. سرسلسله معجزات قولی، قرآن مجید است و معارف صادر از اهل بیت عصمت و وحی و منطق صواب و فصل خطاب، چون نهج البلاغه و صحیفه سجادیه و جوامع روایی، تالی آن و مرتبه نازله آنند، هر چند که بیانگر اسرار و بطون و تأویلات قرآنند.

معجزات فعلی، موقت و محدود به زمان و مکان و خلق الساعه و زودگذرند و بعد از وقوع فقط عنوان تاریخی و سمت خبری دارند، به خلاف معجزات قولی که در همه اعصار معجزه‌اند و برای همیشه باقی و برقرارند.

معجزات فعلی برای عوامند که با محسوسات آشنایند و با آنها الفت گرفته‌اند و خو کرده‌اند و پای بند نشأت طبیعت اند و به ماورای آن سفری نکرده‌اند، این فریق باید با حواس ادراک کنند و بخصوص باید با چشم ببینند تا باورشان آید. اینان از نیل به بهجت معنوی و وصول به لذت روحی و سیر در دیار فسیح معقولات و مرسلات بی بهره‌اند و حتی عبادات را به امید حور و قصور خیال قاصرشان انجام می‌دهند و از ذوق عبادت احرار و عشاق ناکام‌اند، و بالأخره عوامند. خواه در صنایع و حرف مادی ورزیده باشند و خواه نباشند.^۱

آل نبی ﷺ یعنی عترت و اهل بیتش را موضع سزا و جبال دین او

۱. همان، چاپ دوم، ص ۱۸.

معرفی کرد و وصیت و وراثت را به آنان انحصار داد و آنان را از مَه حق و اعلام دین و بهترین منازل قرآن و ناطق قرآن و قرآن ناطق و برپا دارنده دین و شجره نبوت و محط رسالت و مختلف ملائکه و معادن علم و ینابیع حکم و شعار و اصحاب و خزنة و ابواب و کنوز الرحمن و قوام الله علی خلقه و اغصان معتدله شجره نبوت و عرفاء الله علی عباده و بهترین عترت و اسرت و عیش علم و موت جهل و دعائم اسلام شناسایی فرمود. و معرفت به آنان را موجب دخول جنت و انکارشان را سبب ورود به جهنم و هجرت را فقط به معرفت حجّت دانست و عندنا أهل البیت أبواب الحکم و ضیاء الأمر فإننا صنائع ربنا و الناس بعد صنائع لنا...^۱

مرتبۀ حضرت معصومه علیها السلام

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام که به شرافت فرزندی امام کاظم علیه السلام نایل آمده و نسبت خواهری با امام رضا علیه السلام دارد و نیز عمۀ امام جواد علیه السلام است.

و همه این موارد صفات ارزشمند و کمالی اوست، اما اصل گوهر وجودی ایشان آن است که به مرتبۀ انسان کامل نایل آمده و این سرّ برتری وجود او بر دیگر زنان و دختران ائمه علیهم السلام و دیگران است. او که در سایه این مرتبۀ والای انسانی از برگزیدگان شمرده می شود. چنانکه می بینیم ائمه علیهم السلام قبل از ولادت او، هنگام زندگی او و پس از وفاتش در مدح او سخن می گویند و بهشت رازبینه و پاداش زایران او بر می شمارند. او که دارای شأنی از شئون امامت

۱. همان، ص ۵۹، چاپ ۱۳۷۹ ش، قم، انتشارات قیام.

است و حرم او حرم اهل بیت علیهم السلام است چه این که در زیارتنامه او اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام را نیز زیارت می‌کنیم و زایر او زایر اهل بیت علیهم السلام است. زیرا با زیارت او همه را زیارت کرده است.

و اما سزای از اسرار وجود او کراماتی است که از آن وجود شریف صادر شده است. کراماتی که در همه در عین بزرگ بودن در مقابل حقیقت وجود او کوچک است. زیرا آنکه به کمال رسید مصداق حقیقی خلیفه‌الله است و برای او که جانشین خداست، تحفه‌ای از جانب رب الارباب است. اما در واقع همه این‌ها «پرتوی از روی دوست» است. چنانچه در تعریف کرامت گفته‌اند: «کرامت، امر خارق العاده‌ای است که خداوند جهت گرامی داشتن دوستان خاص خالص خویش پیش آرد و فرق آن با معجزه آن است که معجزه برای اثبات نبوت یا امامت باشد ولی کرامت چنین نباشد.»^۱

در هر حال حضرت فاطمه معصومه علیها السلام پس از خورشید پرفروغ امام رضا علیه السلام سرزمین ایران اسلامی از وجودش بهره‌مند است و البته از کرامات بزرگ این بانوی گرامی پیروزی انقلاب اسلامی ایران است که از کنار مرقد مطهر او جوشید و خروشید و در طول اعصار هزاران نفر از چشمه کرامات او آب حیات نوشیده‌اند و در این میان صدها عالم و دانشمند در سایه لطف و کرامات این بانوی بانوی بزرگوار از نعمت‌های مادی و معنوی برخوردار گردیده‌اند.

کتاب «پرتوی از روی دوست» شامل کرامات و عنایت حضرت

معصومه علیها السلام در خصوص علمای دین و یا مواردی است که از زبان علمای دین نقل شده است.

به هر حال آنچه در این مجموعه یاد شده جرعه‌ای از مقامات معنوی حضرت فاطمه معصومه علیها السلام است، آنکه به پاس زیارت با معرفتش بهشت برین پاداش می‌دهند.

اسماعیل محمدی کرمانشاهی

خرداد ۱۳۸۴

www.ketab.ir